

سنجش وضع کار آفرینی در اقتصاد ایران

دکتر سعید عیسی زاده^۱ - جهانبخش مهرانفر^۲ - مهدی فردوسی^۳

چکیده:

در اقتصاد رقابتی و مبتنی بر بازار جهان امروز که با تغییر و تحولات پرشتاب محیط بین‌المللی، گذر از جامعه‌ی صنعتی به جامعه‌ی اطلاعاتی و دگرگونی اقتصادی ملی به اقتصاد جهانی همراه است، کار آفرینی را به مثابه موتور توسعه اقتصادی، به کار گرفته‌اند، زیرا می‌تواند در رشد و توسعه‌ی اقتصادی کشورها نقش مهمی داشته باشد. کشور ایران نیز به عنوان یک کشور در حال توسعه از این قاعده مستثنی نبوده است. بررسی‌های انجام شده در این تحقیق بر اساس شاخص TEA برای ایران، نشان می‌دهد که رشد کار آفرینی در دوره ۷۵-۷۲ منفی بوده و شاخص TEA بیانگر از دست رفتن فرصت‌های کار آفرینی در این دوره است. اما در سال ۸۰ شاخص TEA مثبت بوده و نشانگر ایجاد فرصت‌های کار آفرینی در دوره ۸۰-۷۷ و رشد مثبت کار آفرینی در این دوره است. شاخص TEA برای سال ۸۵ حاکی از بهبود روند کار آفرینی دارد.

مقدمه

ریسک‌پذیری و دورنماسازی شگفت‌انگیز از جمله ویژگی‌های روحی و روانی آنهاست. کار آفرینی در دهه‌های اخیر به عنوان مهمترین مسأله کشورها صنعتی و حتی برخی از کشورهای در حال توسعه بوده و هست. به طور کلی از آنجا که در کشورهای در حال توسعه، کشاورزی دیگر قادر به ایجاد اشتغال برای جمعیت فراوان آنها نیست و از سوی دیگر کارهای سودآور هم فقط برای عده‌ای محدود امکان‌پذیر است. به نظر می‌رسد توجه به فرهنگ کار آفرینی و آموزش راه حل مطلوبی برای مشکلات اشتغال و بهره‌وری در جامعه باشد و از این طریق بتوان بدون جابه‌جایی نیروی کار در نقاط جغرافیایی مختلف به بومی‌کردن آموزش کار آفرینی

در اقتصاد رقابتی و مبتنی بر بازار جهان امروز که با تغییر و تحولات پرشتاب محیط بین‌المللی، گذر از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی و دگرگونی اقتصادی ملی به اقتصاد جهانی همراه است، کار آفرینی را به مثابه موتور و توسعه اقتصادی به کار گرفته‌اند، زیرا می‌تواند در رشد و توسعه اقتصادی کشورها نقش مهمی داشته باشد. برخی اجزای کار آفرینی را می‌توان نوآوری، خطرپذیری معتدل، جستجوی فرصت‌ها و تجهیز منابع برای بهره‌برداری از آنها از راه ایجاد کسب و کارهای جدید یا دگرگونی سازمانها دانست. در واقع فرآیند کار آفرینی دستاورد کسانی است که میل شدیدی به کامیابی دارند و سخت‌کوشی، پافشاری،

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا، گروه اقتصاد

۲- کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی

۳- کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی

پرداخت و فرصت‌های جدید اقتصادی را برای اقشار مختلف به ویژه آموزش دیدگان دوره‌های مختلف کوتاه مدت و کاربردی و همچنین فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها ایجاد کرد.

در این تحقیق ابتدا به صورت خلاصه به تعریف کارآفرینی و کارآفرین پرداخته، سپس مبانی نظری مربوط به بحث را توضیح می‌دهیم. در قسمت بعد شاخص‌های کارآفرینی را به اختصار شرح داده و شاخص TEA را که به عنوان بهترین شاخص برای نشان دادن سطح فعالیت‌های کارآفرینی شناخته شده، برای سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۰، ۱۳۷۵، ۱۳۷۰

محاسبه کرده و سطح فعالیت‌های کارآفرینی را برای دوره‌های ۴۲ ماهه بر طبق تعریف شاخص، باهم مقایسه می‌کنیم.

مفهوم کارآفرین و کارآفرینی

از آنجا که کارآفرینی از مفاهیم مدیریتی به شمار می‌رود دارای یک تعریف قطعی و مشخص نیست و درک کاملی از آن نیازمند داشتن دیدگاهی بین رشته‌ای است. واژه کارآفرینی از یک کلمه ی فرانسوی به معنای واسطه و دلال و یا اصطلاح انگلیسی to undertake به معنای متعهد شدن اقتباس شده است که در فارسی ابتدا کارفرمایی و سپس کارآفرینی ترجمه شده است. در تعاریف مربوط به کارآفرینی در عصر حاضر، تنوع زیادی وجود دارد. بعضی‌ها آن را بر اساس ایجاد سازمان‌های جدید، برخی بر اساس ترکیبی از عوامل موجود، عده‌ای بر اساس اکتشاف و استفاده از فرصت‌ها و عده دیگر به رفتار در شرایط نااطمینانی و تعریف کرده اند. ما در اینجا به برخی از این تعاریف اشاره می‌کنیم:

کارآفرینی به معنای به کارگیری مفاهیم و متون مدیریتی، ابزارها و فرصت‌های طراحی، استانداردسازی محصول و بنا نهادن کار بر پایه آموزش و سپس تحلیل آن است. کارآفرینی را فرایند شکاف فرصت‌ها به وسیله افراد، به طور انفرادی (کارآفرین مستقل) یا در سازمان‌ها (کارآفرین سازمانی) بدون در نظر گرفتن منابع موجود در اختیار آنها می‌دانند.

کارآفرین فردی است که به طور عمد به منظور کسب سود و رشد، کسب و کاری را ایجاد می‌کند که مشخصات اصلی آن نوآوری و مدیریت استراتژیک است.

کارآفرین فردی دارای ایده و نظری نو و جدید است که از طریق فرایند تأسیس و ایجاد یک کسب و کار و قبول مخاطره، محصول یا خدمات جدید را به جامعه خود معرفی می‌کند.

کارآفرین کسی است که می‌بایست در موقعیت‌های مخاطره آمیز به منظور دستیابی به منابع رقابتی بازار تصمیم گیری نماید.

ژوزف شومپیتر کارآفرینی را نیروی محرکه اصلی در توسعه اقتصادی می‌داند و می‌گوید: نقش کارآفرینی، نوآوری است. از دیدگاه وی ارائه کالایی جدید، ارائه روشی جدید در فرآیند

تولید، گشایش بازاری تازه، یافتن منابع جدید و ایجاد هرگونه تشکیلات جدید در صنعت و ... از فعالیت‌های کارآفرینان است.

برخی از صاحب‌نظران، در مجموع کارآفرینی را فرآیند شناسایی فرصت‌های اقتصادی، ایجاد کسب و کار جدید، نوآوری و رشد یابنده برای بهره برداری از فرصت‌های شناسایی شده می‌دانند که در نتیجه آن کالاها و خدمات جدیدی به جامعه عرضه می‌شود.

کارآفرینی می‌تواند همراه خود ویژگی‌های مثبتی چون: بارور شدن خلاقیت‌ها، ترغیب به نوآوری و توسعه آن، افزایش اعتماد به نفس، ایجاد و توسعه تکنولوژی، تولید ثروت در جامعه و افزایش رفاه عمومی را داشته باشد.

مبانی نظری مربوط به کارآفرینی

در این قسمت ما به اختصار نظریات برخی کارشناسان و اقتصاددانان را در قالب سه مکتب شیکاگو، نهادیون و اتریش بیان می‌داریم.

مکتب شیکاگو: اقتصاددانان آمریکایی مطالعات بسیاری را بر روی کارآفرینان انجام دادند که به مکتب شیکاگو معروف گردید از آن جمله :

فردریک هاوولی: شرکت را به عنوان چهارمین عامل تولید پس از زمین، کار و سرمایه معرفی کرد و آن را به عنوان نه یک عامل مولد بلکه یک عامل محرک منظور کرد. وی تصریح کرد که صاحب شرکت یا کارآفرین جوابگوی اصلی مصرف کننده است.

جان بتیس کلارک : وی معتقد است که در اقتصاد ایستا که ماهیت آن رقابت کامل است، کارآفرین محو و ناپدید می‌شود. کارآفرین از نظر وی یک واسطه در اقتصاد پویا است. جوهر کارآفرینی ریاست یا مدیریت نیست بلکه تدارک دیدن یک وظیفه خاص هماهنگ کنندگی است.

اروینگ فیشر: کارآفرین مورد نظر فیشر با انجام پیش بینی از طریق تفکر ذهنی، احتمال عدم قطعیت را کاهش می‌دهد و به خاطر تلاش خود، سود کسب می‌کند. اهمیت و تمایز کارآفرین فیشر به خاطر نقش او به عنوان دریافت کننده ی سود می‌باشد.

فرانک نایت: طبق نظر وی تصمیماتی که تحت شرایط عدم قطعیت اتخاذ می‌شود بیشتر بر اساس جهل یا ظن هستند تا براساس دانش و آگاهی، نایت به صورت نظری اظهار داشت که یکی از عوامل باید مسئولیت اتخاذ تصمیم را در جایی که عدم قطعیت وجود دارد بپذیرد که این عامل کسی نیست جز کارآفرین. مکتب نهادیون: به طور کلی نهادیون معتقد بودند که اقتصاد

کارآفرینی به معنای به کارگیری مفاهیم و متون مدیریتی، ابزارها و فرصت‌های طراحی، استانداردسازی محصول و بنا نهادن کار بر پایه ی آموزش و سپس تحلیل آن است. کارآفرینی را فرایند شکاف فرصت‌ها به وسیله ی افراد، به طور انفرادی (کارآفرین مستقل) یا در سازمان‌ها (کارآفرین سازمانی) بدون در نظر گرفتن منابع موجود در اختیار آنها می‌دانند.

بیشتر باشد توسعه کسب و کار و در نتیجه کارآفرینی در آن کشور بیشتر خواهد بود.

۳- چگونگی درک مدیران کشور از کارآفرینی: با توجه به اهمیت عملکرد مدیران در تدوین خط مشی‌ها و اجرای برنامه‌ها که در گسترش و ترویج کارآفرینی مهم و کارساز است، شاخص چگونگی درک مدیران کشور از کارآفرینی می‌تواند اثر بسزایی در تحقق این هدف داشته باشد. ارزیابی‌های انجام شده بیانگر این است که کشورهای کمتر توسعه یافته نیز توجه ویژه‌ای به این موضوع دارند.

۴- هزینه کل تحقیقات: تحقیق و توسعه می‌تواند پدیدآورنده فرصت‌های تجاری جدید باشد و سبب رشد کارآفرینی و شرکت‌های کوچک و متوسط شود.

۵- شاخص کل فعالیت‌های کارآفرینی یا TEA: این شاخص به بررسی سهم جمعیتی که درگیر راه اندازی مشاغل جدید یا اداره آنها هستند می‌پردازد.

بر آوردی از شاخص‌های کارآفرینی در ایران

کشورهایی که در آنها سطح فعالیت‌های کارآفرینی مورد مطالعه قرار گرفته است، شاخص TEA به عنوان اصلی ترین شاخص، بیانگر سطح فعالیت‌های کارآفرینی به کار برده شده است. TEA حاصل مجموع دو شاخص زیر می‌باشد:

- ۱- افرادی که دست اندرکار و یا درگیر در فرایند پیدایش یک فعالیت نوظهور می‌باشند.
- ۲- افرادی که به صورت مدیر، مالک در یک بنگاه که کمتر از ۴۲ ماه عمر دارد، فعالیت می‌کنند.

شاخص TEA در ایران

برای محاسبه شاخص TEA در ایران از آمارهای مرکز آمار ایران استفاده شده است. با توجه به تعریف شاخص، قید زمانی ۴۲ ماه لحاظ شده است. مثلاً برای محاسبه شاخص TEA در سال ۱۳۸۵، از مجموع کارفرمایان و کارکنان مستقل افزایش یافته از اردیبهشت ۱۳۸۲ تا آبان ۱۳۸۵

استفاده شده است که شاخصی برای نشان دادن کارآفرینان جدید تلقی می‌شود.

وضعیت موجود نیروی کار در ایران

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۸۵ جمعیت کل کشور بالغ بر ۷۰۴۹۵۰۰۰ نفر گزارش شد که ۵۰/۸۸ درصد مرد و ۴۹/۱۲ درصد زن، ۵۹۹۴۰۰۰ نفر (۶۸/۴۶ درصد) شهرنشین و ۲۲۲۳۵۸۱۸ نفر (۳۱/۵۴ درصد) روستایی بودند. در حالی که رشد سالانه جمعیت بین سال‌های

باید به عنوان یک سازمان یا یک مجموعه کامل و واحد که تمامی اجزای آن با یکدیگر ارتباط دارند مورد بررسی قرار گیرد. در این مکتب نقش موسسات و نهادها در زندگی اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است. به طور کلی نهادگرایان وظیفه کارآفرینان را عمدتاً به عنوان یک فعالیت مدیرانه در سازمان‌های متوسط و بزرگ می‌نگرند.

رونالد کوس کارآفرین را به عنوان عاملی که در تقسیم کار، سازماندهی و برنامه ریزی دقیق در یک شرکت دخالت دارد معرفی می‌کند، آن هم شرکتی که او در آن صرفاً یک متخصص است. وی در بحث مربوط به هزینه‌های معاملات، این هزینه‌ها را دلیل وجود سازمانها دانسته و کارآفرین را با شرکت یکی می‌داند. الیور ویلیامسون نیز مثل رونالد کوس بیشتر به کاهش هزینه‌های عملیاتی تأکید داشت و معتقد بود که هر چه محیط پویاتر و رقابت بیشتر و تمرکز کمتر باشد آنگاه فعالیت‌های نوآورانه شرکت‌ها گسترش بیشتری خواهد یافت.

مکتب نوین اتریش: این اقتصاددانان بر خلاف نهادیون، فعالیت حرفه‌ای مدیریتی و ساختار فنی را برای تعریف کارآفرینی معتبر نمی‌دانند.

مایسز: او بر اهمیت کارآفرینی در اقتصاد بازار تأکید ورزید. از نظر ایشان کارآفرین انسانی است که نسبت به تغییرات در اطلاعات بازار حساس است. همچنین در کل رفتار انسانی یک عنصر کارآفرین وجود دارد. به نظر می‌رسد که از نظر مایسز جوهره کارآفرین در قلمرو فعالیت مدیریتی کمتر بوده و بیشتر در روح ابتکار نهفته است. از مایسز کارآفرین در مقایسه با عوامل دیگر، دارای میزان نسبتاً بالاتری از انرژی و قدرت فکری است چرا که او شبیه کارآفرین نوآور شومپیتر است.

کرز: وی نظریه کارآفرینی خود را در سه مفهوم ارائه نمود. ۱- هوشیاری افراد در به دست آوردن سود خالص است. این فرآیند کارآفرینانه، نیرویی است که فرآیند بازار ایجاد و خط مشی آن را تعیین می‌کند. ۲- کارآفرین با استفاده از

مفهوم نیروی تعادل ساز به موجب بازارهای واسطه، سازگاری یا همسازی بیشتر را در برنامه‌ها به وجود می‌آورد.

۳- مالکیت منابع فیزیکی کاملاً متمایز از فرآیند کارآفرینان است.

شاخص‌های توسعه کارآفرینی

۱- سرانه تولید ناخالص داخلی به ازای هر نفر شاغل: این شاخص نشان دهنده اهمیت رشد و توسعه ی کارآفرینی است که در مقایسه‌های انجام شده برای کشورهایی مثل بلژیک ۶۰۰۰ دلار و برای ترکیه کمتر از ۲۰۰۰ دلار بوده است.

۲- هر چه توانایی سرمایه گذاری مخاطره آمیز در کشوری

۸۰-۷۵ برابر ۱/۶۲ درصد بود، رشد شهرنشینی به طور متوسط در هر سال ۲/۷۴ درصد و رشد سالانه جمعیت روستایی در این دوره ۰/۴۴ بود.

در سال ۱۳۸۵ جمعیت فعال اقتصادی با رشدی معادل ۳/۹۵ درصد نسبت به سال قبل خود، به ۲۳۴۱۸۶۹۳ نفر افزایش یافت. در این سال، با توجه به نرخ بیکاری ۱۲/۷۵ درصدی، ۲۹۹۲۲۹۸ نفر بیکار و ۲۰۴۷۶۳۹۵ نفر شاغل بودند. در ضمن ۸۱/۱ درصد این جمعیت شاغل (۱۵۰۶۴۰۰۰ نفر) در بخش خصوصی فعالیت می‌کردند که ۵/۵ درصد آنها (۱۵۳۰۰۰۰۰ نفر) کارفرما و ۳۲/۱ درصد (۷۳۶۶۰۰ نفر) نیز کارکنان مستقل بودند. سهم مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی و کارکنان فامیلی بدون مزد از کل شاغلان بخش خصوصی به ترتیب ۳۲/۵ و ۱۰/۹ درصد بود. برای دوره‌هایی که شاخص TEA را برای آنها محاسبه کرده‌ایم، تعداد کارفرمایان و کارکنان مستقل در جدول زیر آمده است.

سال	تعداد کارفرمایان	تعداد کارکنان مستقل
۱۳۶۷	۱۸۷۰۰	۲۱۲۷۰۰۰
۱۳۷۰	۳۹۶۰۰۰	۵۴۵۳۰۰۰
۱۳۷۲	۴۳۴۹۷۴	۵۶۵۷۹۸۵
۱۳۷۵	۵۲۸۰۰۰	۵۱۹۹۰۰۰
۱۳۷۷	۶۵۴۹۰۰	۵۰۶۳۳۰۰
۱۳۸۰	۶۰۶۰۰۰	۴۳۷۱۶۰۰
۱۳۸۲	۸۱۰۱۰۰	۴۱۹۷۶۰۰
۱۳۸۵	۱۵۳۰۰۰۰	۷۳۶۶۰۰۰

همانطور که مشاهده می‌شود در سال ۱۳۷۰ نسبت به سال ۱۳۷۶ تعداد کارفرمایان ۲۰۹۰۰۰ نفر و تعداد کارکنان مستقل ۳۳۲۶۰۰۰ نفر افزایش یافته است. در سال ۱۳۷۵ در حالی که تعداد کارفرمایان نسبت به سال ۱۳۷۲، ۹۳۰۲۶ نفر افزایش یافته، تعداد کارکنان مستقل ۴۵۵۹۸۵ نفر کاهش یافته است. همچنین در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۷ در هر دو وضعیت شغلی کاهش جمعیت مشاهده می‌شود. در این دوره تعداد کارفرمایان ۴۸۹۰۰ و تعداد کارکنان مستقل ۶۹۱۷۰۰ نفر کاهش یافته است. اما در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۸۲ شاهد افزایش قابل توجهی در هر دو وضعیت شغلی هستیم. به طوری که در این دوره تعداد کارفرمایان ۷۱۹۹۰۰ و تعداد کارکنان مستقل ۳۱۶۸۴۰۰ نفر افزایش یافته است.

پس می‌توان نتیجه گرفت که در دوره ۷۵-۷۲ نسبت به دوره ۷۰-۶۷ رشد تعداد کارفرمایان کاهش یافته و رشد مثبت و قابل توجه تعداد کارکنان مستقل در دوره ۷۰-۶۷ به رشد منفی جمعیت این کارکنان در دوره ۷۵-۷۲ تبدیل شده است. در دوره ۸۰-۷۷ نسبت به دوره ۷۵-۷۲ کاهش تعداد کارکنان مستقل بیشتر شده است و رشد تعداد کارفرمایان نیز یک رقم منفی به خود اختصاص داده است. اما در دوره ۸۵-۸۲ سیر صعودی مشاهده شده برای تعداد کارفرمایان و کارکنان مستقل چشمگیر

بوده و هر دو وضعیت شغلی رشد مثبتی را در این دوره تجربه کرده‌اند.

در کل با فرض این که مجموع تعداد کارفرمایان و کارکنان مستقل در طی دوره‌های مذکور بیانگر شاخص TEA به عبارت دیگر شاخصی برای نشان دادن کارآفرینان جدید تلقی شود. مطابق جدول زیر شد کارآفرینی در دوره ۷۵-۷۲ منفی بوده و شاخص TEA بیانگر از دست رفتن فرصت‌های کارآفرینی در این دوره است. اما در سال ۸۰ شاخص TEA مثبت بوده و نشانگر ایجاد فرصت‌های کارآفرینی در دوره ۸۰-۷۷ و رشد مثبت کارآفرینی است. شاخص TEA برای سال ۸۵ حاکی از بهبود روند کارآفرینی و افزایش تعداد کارفرما و کارکن مستقل با تعریف ذکر شده برای TEA (۴۲ ماه) می‌باشد.

سال	تعداد کارفرمایان
۱۳۷۰	۳۵۳۵۰۰۰
۱۳۷۵	-۳۶۲۹۵۹
۱۳۸۰	۹۹۰۶۰۰
۱۳۸۵	۴۶۱۸۳۰۰

مقایسه فضای کارآفرینی در ایران با کشورهای منتخب بر اساس شاخص‌های کسب و کار به منظور اندازه‌گیری شاخص کسب و کار (doing business) از ۱۰ فاکتور زیر استفاده شده است:

- ۱- تأسیس و راه اندازی یک شرکت (starting business)
- ۲- اخذ مجوز تأسیس و راه اندازی کارگاهها (permits dealing with construction)
- ۳- استخدام و اخراج نیروی کار (employing workers)
- ۴- ثبت مالکی (registering property)
- ۵- اخذ اعتبار (getting credit)
- ۶- حمایت از سرمایه گذاران (protecting investors)
- ۷- پرداخت مالیات (paying taxes)
- ۸- تجارت برون مرزی (trading a cross borders)
- ۹- اجرای قراردادهای (enforcing contracts)
- ۱۰- انحلال یک فعالیت (closing a business)

همانطور که از جداول پیداست. براساس شاخص سهولت کسب و کار، ایران در بین ۱۸۳ کشور رتبه ۱۳۷ را داراست که بیانگر وضعیت نه چندان مناسب ایران در سطح بین المللی است. براساس شاخص راه اندازی کسب و کار، که یکی از ده فاکتور تشکیل دهنده شاخص کل می‌باشد رتبه ایران در بین کشورهای منتخب ۴۸ می‌باشد.

نتیجه گیری

با توجه به تعاریف مختلف ارائه شده توسط اقتصاددانان می توان نتیجه گرفت که کارآفرینی یکی از عناصر مهم و دانش محور در توسعه اقتصادی بوده و می تواند با ایجاد نوآوری و خلاقیت بر پایه دانش، در چرخه اقتصادی کشور نقش ارزنده ای را ایفا کند. به عبارتی کارآفرین، ارتباط دهنده دانش و علوم با صنعت و بازار است.

با توجه به وضعیت اقتصادی بسیاری کشورها در سال های اخیر، نیاز روز افزون به بحث کارآفرینی به عنوان راهبردی برای توسعه احساس می شود. کشور ما نیز از جمله این کشورها بوده و نیاز به ایجاد شرایط آسان برای محیط کسب و کار و ایجاد کارآفرینی بیش از پیش ضروری به نظر می رسد. ما در این مقاله برای بررسی روند این امر در کشور، شاخص کل فعالیت های کارآفرینی (TEA) را در سال های ۱۳۸۵، ۱۳۷۰، ۱۳۸۰، ۱۳۷۵، محاسبه کردیم. نتایج حاصل از آن نشان می دهد که رشد کارآفرینی در دوره ۷۵-۷۲ منفی بوده و شاخص TEA بیانگر از دست رفتن فرصت های کارآفرینی در این دوره است. اما در سال ۸۰ شاخص TEA مثبت بوده و نشانگر ایجاد فرصت های کارآفرینی در دوره ۸۰-۷۷ و رشد مثبت کارآفرینی در این دوره است. شاخص TEA برای سال ۸۵ حاکی از بهبود روند کارآفرینی و افزایش قابل توجهی در تعداد کارآفرینان و کارکنان مستقل در دوره ۴۲ ماهه است.

منابع

- ۱- شیخان، ناهید و رضازاده، حجت اله «مقایسه شاخص های توسعه کارآفرینی در کشورهای منتخب (با تأکید بر ایتالیا و مالزی)، اطلاعات سیاسی اقتصادی ش. ۲۰۴-۲۰۳، صص ۱۹۲-۲۰۳
- ۲- هزارجریبی، جعفر «بررسی نقش کارآفرینی در ایجاد فرصت های اقتصادی» پژوهشنامه اقتصادی، صص ۲۶۷-۲۳۷
- ۳- فیضی، کامران و مقدسی، علیرضا «پژوهشی در مفاهیم کارکردها و دوره های آموزش کارآفرینی» فصلنامه مدیریت صنعتی، ش ۲، صص ۱۲۶-۱۴۵
- ۴- روستا، مریم و حیدری، محمد مهدی (۱۳۸۷)، «کارآفرینی اجتماعی فراتر از کارآفرینی اقتصادی» تدبیر، ش ۱۹۳، صص ۲۵-۳۲
- ۵- مرکز آمار ایران

- 1- National Agency for Enterprise and construction & Entrepreneurship index 2006
- 2- Ulhi J.p (2005) Te social Dimensions of Entrepreneurship Technovethon 939-949
- 3- Organizational Entrepreneurship . Theoretical Back ground , some empirical Test , and Directions for future Research. Human factors and Ergonomics in Manufacturing vol. 15 , 1 , 15-33- 2005

رتبه بندی ایران بر اساس شاخص های ده گانه کسب و کار

تغییر رتبه	۲۰۱۰	۲۰۰۹	نوع شاخص
+۲۵	۷۳	۴۸	تأسیس و راه اندازی یک شرکت
+۲۱	۱۶۲	۱۴۱	اخذ مجوز تأسیس و راه اندازی کارگاه ها
۰	۱۳۷	۱۳۷	استخدام و اخراج نیروی کار
-۱	۱۵۲	۱۵۳	ثبت مالکیت
-۴	۱۰۹	۱۱۳	اخذ اعتبار
-۱	۱۶۴	۱۶۵	حمایت از سرمایه گذاران
-۱۰	۱۰۷	۱۱۷	پرداخت مالیات
-۲	۱۳۲	۱۳۴	تجارت برون مرزی
+۱	۵۴	۵۳	اجرای قراردادهای
۰	۱۰۹	۱۰۹	انحلال یک فعالیت

